

جامعه

یادداشت

فرق است بین خروگورخر

خروگورخر آفریقایی درون جوی آبی افتاده است و به دلیل استرس زیاد قادر به حرکت نیست، کمی آن طرف‌تر مردی تقریباً تنومند با چیزی شبیه افسار که در دست دارد به حیوان ضربه می‌زند تا جوی آب بیرون بیاید. فیلم کوتاه به این لحظات که می‌رسد، صدای شخصی شنیده می‌شود که از شکستن پای گورخر خبر می‌دهد، اما مرد تنومند که به نظر می‌رسد فرق بین گورخرو خرو را نمی‌داند سعی می‌کند با همان ضربات گورخر را سر براند کند. این گوشه‌ای از ماجرای انتقال سه گورخر آفریقایی به باغ وحش صفادشت است که روز یکشنبه اتفاق افتاد و یک‌روز بعد یعنی دوشنبه با مرگ یکی از گورخرها ابعاد فاجعه‌بارتری به خود گرفت؛ اتفاقی که زخم‌کهنه باغ‌وحش‌های غیر استاندارد را برای دوستداران محیط‌زیست تازه‌کرد.

حیات‌وحش در باغ‌وحش‌های غیراستاندارد کشور قربانی می‌شود، این را مرور خبرهای چند سال اخیر نیز تایید می‌کند؛ از جنجالی‌ترین آنها که مرگ شیرهای باغ‌وحش ارم در اثر شیوع مسمشه گرفته تا مرگ زرافه و ببر در همین باغ‌وحش صفادشت که انتقال فاجعه‌بار گورخرها و مرگ یکی از آنها شرایط نامناسب را دوباره سر زیان‌ها انداخته است. مسـئـولان باغ‌وحش صفادشت نیز در اینستاگرام اعلام کرده‌اند شرایط نامناسب نگهداری در گمرک در این بیـسن تأثیرگذار بوده است و حال دوگورخر دیگر نیز مناسب نیست. سرنخ مرگ حیات‌وحش در باغ‌وحش‌های غیراستاندارد را که دنبال کنید به ضعف‌های سازمان حفاظت محیط‌زیست و سودجویی قاچاقچیان حیات‌وحش می‌رسید. سازمان حفاظت محیط‌زیست همواره ادعا می‌کند که به مراکز نامناسب نگهداری از حیوانات اجازه فعالیت نمی‌دهد و ناظرانی دارد که شرایط باغ‌وحش‌ها را بررسی می‌کنند، اما اخباری که از گوشه و کنار کشور و مراکز غیر استاندارد نگهداری حیوانات به گوش می‌رسد از این حکایت دارد که سازمان حفاظت محیط‌زیست در این خصوص به‌درستی عمل نمی‌کند یا به قول معروف گردانندگان این مراکز برای حرف مدیران این سازمان نمی‌دهد و خرد نمی‌کنند. برای نمونه می‌توان به شیوع آفلوآنزای فوق حد پرنندگان در باغ پرندگان قم اشاره کرد که زمستان گذشته سبب مرگ بسیاری از پرنندگان این باغ شد. پس از رسانه‌ای شدن این ماجرا محیط‌زیست قم اعلام کرد این مرکز مجوزهای لازم را از محیط‌زیست دریافت نکرده بود.

نبود نظارت از سوی سازمان حفاظت محیط‌زیست تنها دلیل آشفته بازار مراکز نگهداری از حیوانات در کشور نیست، زیرا به نظر می‌رسد این سازمان از دانش کافی برخوردار نیست و برای رفع این ضعف از کارشناسان نیز به‌درستی بهره‌نمی‌گیرد.

برای نمونه می‌توان به ماجرای مرگ گورخرهای آسیایی اشاره کرد که سال ۹۷ دوستانداران محیط‌زیست ایران را شوکه کرد، چراکه در جریان عملیات زنده‌گیری ۱۰ گورخر از منطقه توران و انتقال آنها به پارک ملی کویر پنج گورخر تلف شدند. برخی کارشناسان معتقدند وقتی سازمان حفاظت محیط‌زیست دربرابر گونه‌های درخطر انقراض کشور درست به چنین اقداماتی می‌زند نباید از مدیران این سازمان انتظار داشت که برای محافظت از گونه‌هایی که در باغ‌وحش‌های غیراستاندارد نگهداری می‌شوند سنگ‌تمام بگذارند. شرایط گونه‌های جانوری در مراکز نگهداری غیراستاندارد این روزها ناگوارتر از گذشته است، زیرا در کنار نبود نظارت و سودجویی برخی مدیران این روزها کرونا نیز بهانه‌ای شده تا مسـئـولان برخی از این مراکز بی‌توجهی به گونه‌های زردانی در باغ‌وحش‌ها را بیشتر کنند. آنها ادعا می‌کنند به دلیل فراگیری کرونا و ایجاد محدودیت‌ها درآمـدشان کاهش یافته و قادر نیستند از پس هزینه‌های این مراکز برآیند. در چنین شرایطی باید گفت بیشتر مراکز نگهداری از حیوانات کشور به محلی برای سودجویی دلالت حیات وحش بدل شده است، دلالتی که گورخر باخر برایشان تفاوتی نمی‌کند و تنها به کسب سود بیشتر فکر می‌کنند. در خواب سازمان حفاظت محیط‌زیست و جولان این دلالت، باغ‌وحش‌های کشور از نقش اصلی خود که آموزش، پژوهش، سرگرمی و آشتی دادن مردم با حیات‌وحش است فاصله‌بسیاری گرفته‌اند.



دبی رودخانه کارون به شدت کاهش یافته به طوری که این رودخانه در برخی قسمت‌ها دچار خشکیدگی شده است

عکس:

عصر ایران

جذب ۲۰۳ هزار حامی در پویش «ایران مهربان»

مرتضی بختیاری، رئیس کمیته امداد از جذب ۲۰۳ هزار حامی ایتام و محسنین از ابتدای اجرای پویش «ایران مهربان» خبر داد و گفت: «۳۸ هزار فرزند یتیم و محسنین از حمایت‌های کمیته امداد برخوردار هستند.»
بختیاری با بیان این‌که ۵۶۲ نفر از ایتام و ۱۲ هزار نفر از فرزندان محسنین فاقد حامی هستند، ادامه داد: «متوسط دریافتی ماهانه ایتام به ۵۲۲ هزار تومان و متوسط دریافتی فرزندان محسنین به ۲۶۰ هزار تومان در ماه رسیده است.»
/جام‌جم‌دیلی



کاهش بارندگی، تداوم سدسازی و اجرای طرح‌های انتقال آب وضعیت رودخانه کارون را وخیم کرده است

کارون به خشکی نزدیک می‌شود

❗️ **آی آدم‌ها که در ساحل نشسته شاد و خندانید، یک نفر در آب دارد می‌سپارد جان ... آی آدم‌ها، رود کارون دارد می‌میرد، یک نفر دارد دست و پای دائم می‌زند، روی این دریای تند و تیره و سنگین که می‌دانید...**
به این عده‌ها خوب نگاه کنید: دبی رودخانه کارون در پل سفید اواز ۲۱۵ مترمکعب در ثانیه، دبی کرخه در حمیدیه ۵۵ متر مکعب در ثانیه و دبی زهره در چم نظام ۱۷ مترمکعب در ثانیه ثبت شده است. همه اینها یعنی فاجعه، یعنی آدمی که روزها لب به آب نزنه را بخوابی با قطره چکان سیراب کنی، یعنی که کارون تشنه است و با لب‌های ترک خورده‌اش، مثل ماهی‌هایی که از آب بیرون افتاده‌اند، آب آب می‌کند ولی کسی نیست که جرعه‌ای به حلقش بریزد. عده‌هایی که محمد درویش، رئیس کمیته محیط زیست در کرسی سلامت اجتماعی یونسکو درباره ورودی آب به کارون نوشته واگو به‌ای است از آنچه که سال‌ها بر سر دریاچه ارومیه آمد، بلایی که برای زاینده‌رود تکرار شد و حالا به رسم آسیاب به نوبت، گریبان کارون را نیز گرفته است. رود کارون که بزرگ‌ترین رود ایران است، رودخانه‌ای که سرچشمه اصلی‌اش در کوهرنگ و بافت و زردکوه چهارمحال و بختیاری است و سرشاخه فرعی‌اش، رود دز، پس از عبور از لرستان وارد خوزستان می‌شود، رودی که قرن‌ها گهواره تمدن بوده و رودخانه‌ای که ژان و مارسِل دیولافوا، کاوشگران محوطه باستانی شُوش و کاخ آپادانا، ۷۰۰۰ محموله بزرگ اشیای باستانی را از طریق آن به فرانسه منتقل کردند، مدت‌هاست بدحال است و درست مثل مسیرش، حال و وضع پیچیده‌ای دارد.

کارون دارد خشکی می‌شود، در بخش‌هایی از بستر این رودخانه می‌شود روی زمین‌های قاج خورده فوتبال بازی کرد و می‌شود لنگه کفش‌هایی را دید که معلوم است در روزگار پُرآبی کارون، از پای گردشگری بیرون آمده و دیگر به دستش نرسیده. این روزها حال کارون بدتر از همیشه است و در بهاری که باید بهار کارون هم باشد، زیر سایه سنگین بهره‌برداران و تصمیم‌گیرندگان، فصل خزان رودخانه آغاز شده است.



مریم خجابت

جامعه

مشکل اول: کم بارشی

امسال همه مشکلات آبی کشور را می‌شود به آسمان ربط داد چون طبیعت، خوب بهانه به دستمان داده. پهنه آبی گسترده بر سر فلات ایران، پاییز و زمستان پارسال به‌ار امسال به قدری خست داشت و بی توشه بود که تابستان برای بخش‌های بزرگی از کشورمان از اواسط بهار آغاز شد. کاری به سیل‌های مرگبار اخیر در بخش‌هایی از استان های یزد و کرمان و سمنان نداریم که شاید برای عده‌ای تصور ترسالی را ایجاد کند، بلکه سر و کارمان با ماه‌های خشکی است که با ناخن خشکی‌اش برای ایران، جان زمین و سفره‌های آب‌های زیرزمینی و منابع زیرزمینی را گرفت. به طور ویژه اگر در مورد وضعیت آبی خوزستان حرف بزنیم، آمارها نشان می‌دهد که مجموع آورد سه رود کارون، دز و کرخه در فروردین امسال نسبت به فروردین پارسال (و حتی در مقایسه با وضعیت نرمال) حدود ۶۷ درصد کاهش داشته است. این آمار را فاضل عبیات، معاون هماهنگی امورعمرانی استانداری خوزستان اعلام کرده، کسی که براین اساس، خوزستان ۱۴۰۰ را استانی گرفتار خشکسالی معرفی کرده است.

واژه خشکسالی برای استانی که سالانه بیش از ۱۷ میلیون تن محصولات زراعی و باغی تولید می‌کند و با عمل‌آوری ۱۲۸محصول، از نظر میزان و تنوع، رتبه اول کشور را دارد و نامش از گندم و جو و ذرت و نیشکر و گل و محصولات جالیزی و صیفی و خرما و مرکبات جدا نیست، قاعدتا واژه سنگینی است. با این حال وضعیت نامطلوب بارش‌ها که حقیقتی انکارنشدنی است به گونه‌ای است که فراز رابعی، معاون سازمان آب و برق خوزستان بصراحت گفته است تابستان امسال تامین حقایه زیست محیطی و کشاورزی، به طور کامل امکان‌پذیر نیست، جمله‌ای که خود خود بحران است.

این کم بارشی البته بیش از یک دهه است که گریبان خوزستان را گرفته و اتفاق تازه‌ای نیست. در سال آبی ۹۷-۹۶ خوزستان با شدیدترین خشکسالی دست و پنجه نرم کرد اما از اقبال خوش این وضع در دو سال آبی پس از آن به یکباره تغییر کرد و این بار سیلاب‌های شدید بود که خوزستان را می‌آزد.

البته این که چرا از فرصت خوب سیلاب‌ها برای احیای خوزستان تشنه استفاده نشد و بارش‌ها فقط به گرفتاری مردم و از بین رفتن حاصل دسترنج‌شان منتهی شد، مثنوی صد من کاغذی است که خیلی‌ها در موردش حرف زده‌اند. صاحب یکی از این اظهارنظرها محمد درویش، رئیس کمیته محیط زیست در کرسی سلامت اجتماعی یونسکو است که نوشته است: سیل کم‌سابقه سال ۹۸ ثابت کرد که اراده‌ای آزمندانه در استان وجود دارد که اجازه نمی‌دهد حتی در یک سال رویایی، همه قلمرو طبیعی تالاب‌های استان، به‌ویژه هورالعظیم و شادگان از آب لبریز شود؛ چرا که استخراج ارزان‌تر و آسان‌تر نفت از میادین نفتی آزادگان و آسیب به کشت و صنعت نیشکر برایشان مهم‌تر است.

این که درویش به کدام نهادها طعنه می‌زند کاملاً روشن است اما روشن‌تر از آن عواملی است که زیر نام کم بارشی‌ها، مودینه طبیعت خوزستان را معذب می‌کند.

محیط‌بان مازندرانی قصاص نمی‌شود

جمشید محبت‌خانی، فرمانده یگان حفاظت محیط زیست از رضایت اولیای دم در پرونده محیط‌بان مازندرانی در سوادکوه خبر داد و گفت: «پرونده حادثه کشته شدن غیرعمد یک شکارچی در سوادکوه، توسط محیط‌بان علی اکبر ایمانی، با پرداخت دیه توسط بیمه و اعلام رضایت محضری اولیای دم از جنبه قصاص بسته شد.»
روزی یکم آذر سال گذشته، در جریان درگیری مسلحانه بین شکارچیان و محیط‌بانان مازندران در ارتفاعات سوادکوه، یک شکارچی به‌ضرب گلوله محیط‌بانان کشته شد. /جام‌محیط‌زیست

مشکل دوم: چاه‌های غیرمجاز

نمی‌دانیم چند نفر مرثیه دهدز را شنیده‌اند. نمی‌دانیم چه نفر می‌دانند که این روزها چه بر سر دهدز که بهشت پنهان خوزستان است، آمده. خبر نداریم که حرف‌های هژیر کیانی، دبیر انجمن دوستداران طبیعت و محیط زیست خوزستان و گفت و گویش با ایلنا به گوش چند نفر رسیده. آنچه که او گفته و انتقاداتی که به عملکرد وزارت نیرو، شرکت آبفا و سازمان آب و برق خوزستان وارد کرده و این که گفته است نهادهای مسـوول خودشان را به خواب زده‌اند، همه از اتفاقی تلخ در خوزستان حکایت دارد.

به روایت او از چهارحلقه چاه باقیمانده در دهدز، دو چاه خشک شده و عنقریب است جیره‌بندی آب در برخی از روستاهای منطقه آغاز شود. جیره‌بندی آب در دهدز؟ خنده‌دار است. این شهر که غروس خفته زاگرس و پرآب‌ترین شهر خاورمیانه است، شهری که در میان سدهای کارون ۳ و ۴ آرمیده و در واقع در محاصره آب است، از بی‌آبی رنج می‌برد. این طنز تلخ، سال‌هاست که در دهدز بازتعریف می‌شود و مردم روستاهای این دیار، بی آن که صدایشان به گوش کسی برسد به گفته هژیر کیانی، رنج جیره‌بندی آب را بر خود هموار می‌کنند.

خشکیدگی چاه‌های آب در دهدز اما نه یک ماجرای قدیمی به نام حفر چاه‌های غیرمجاز است که سرنخ آن را باید در بی تدبیری‌ها و منفعت‌طلبی‌ها و چراغ سبز نشان دادن‌های بی‌موقع جست‌وجو کرد، مثل قانون سال ۸۹ مجلس که طبق آن چاه‌هایی که تا قبل از سال ۸۵ به صورت غیرمجاز حفرشده بودند در مسیر قانونی شدن قرار می‌گیرند.

خوزستان و استان‌های همجوار را که سرشاخه‌های رود کارون را تغذیه می‌کنند، باید بهشت چاه‌های غیرمجاز بدانیم، درخوزستان طبق آمار سال ۹۸ رئیس گروه حفاظت و بهره‌برداری ازمنابع آب زیرزمینی سازمان آب و برق خوزستان، بیش از ۵۰۰۰چاه غیرمجاز فعال است که سالانه ۷۰۰ میلیون مترمکعب آب زیرزمینی را حریصانه برداشت می‌کنند.

دخارج از استان خوزستان نیز آمارهای هولناکی در این باره وجود دارد از جمله در استان لرستان و در پلدختر، چغلوندی، خرم‌آباد، الشتر، کوهدشت، نورآباد و رومشکان که حوضه آبریز کرخه محسوب می‌شوند و به گفته دارپوش حسن نژاد، مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای لرستان روی هم رفته ۱۵۸۰ چاه غیرمجاز در این مناطق سفره‌های آب زیرزمینی را می‌مکند.

وقتی در سرشاخه‌های یک رود این همه دست‌انداز و برداشت غیرمجاز وجود داشته باشد طبیعی است که به بستر رود، آبی که باید نمی‌رسد و رودهای بزرگ حتی اگر کارون با عظمت باشند، به تدریج نحیف و نحیف‌تر می‌شوند. حالا چرا با این چاه‌های غیرقانونی برخورد نمی‌شود و آب از چنگ چاه‌ها به حلق رودخانه‌ها سرازیر نمی‌شود، حتما دلایل متعددی دارد که به باور برخی کارشناسان از خشکسالی مدیریتی ناشی می‌شود.



مشکل سوم: انتقال آب و حمله به سرشاخه‌ها

که او با خبرنگار جام‌جم گفت و گو می‌کرد، گزارش داد که رودخانه‌ها در چهارمحال و بختیاری از چالش‌ستر تا پل آجری و شهرکرد و کیار و شلمزار و دزگ همه خشک شده‌اند و ظرفیت سد سورک از زمانی که افتتاح شده تا امروز تا بیش از نصف پر نشده است.

او همه اینها را به طرح‌های انتقال آب مربوط می‌داند و می‌گوید: سرشاخه اصلی کارون، کوهرنگ است که در مسیر آن تا به حال سه تونل انتقال آب ساخته شده که سهم زیست محیطی کارون را برمی‌دارند و تونل بهشت‌آباد که تونل چهارمی است اگر ساخته شود، عملاً ارتباط کارون با سرشاخه اصلی که کوهرنگ باشد قطع می‌شود.

او می‌گوید عده‌ای دارند خودشان را می‌کشند تا تونل بهشت‌آباد تمام شود و آب‌های دینارون و سرشاخه‌های بافت را در آن بریزند و دست چهارمحال و بختیاری را از این آب ها کوتاه‌کنند که اگر این اتفاق رخ دهد و پروژه بهشت‌آباد عملی شود، چهارمحال و بختیاری به کویری مرتفع تبدیل خواهد شد. حکایت طرح‌های انتقال آب، حکایت تلخی است چون تصور می‌شود با کشاندن آب‌های یک گوشه از سرزمین به گوشه دیگر موجب نجات مقصد می‌شوند در حالی که غافلند که مبدا آب در حسرت آب خواهد مُرد.

انتقال غیرکارشناسی آب در کشورمان به اندازه‌ای تبعات دارد که احمدرضا طاهری مقدم، کارشناس منابع آب در گفت و گو با جام‌جم ترجیح می‌دهد خسارت آن را بسیار بیشتر از سدسازی معرفی کند.

او که خوش خبر است و می‌گوید رود کارون فعلاً خشک نشده بلکه آبگیری آن کاهش یافته، به کاهش ورود آب از لرستان به رود دز اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: یکی از دلایل کاهش ورود آب از لرستان به دز می‌تواند کاهش بارندگی‌ها باشد اما دلیل دیگر انتقال آب از الیگودرز به سمت قم تحت عنوان قمرود است که باعث شده علاوه بر این که لرستان با مشکل منابع آبی مواجه شده، حقآبه رودخانه‌هایی همچون در نیز داده نشود.

این کارشناس، طرح‌های انتقال آب را عامل خشکی رودها می‌داند بویژه طرح‌های انتقال آب حوضه به حوضه را؛ همان اتفاقی که شده است ترسستی مسـوولان و مدیران آبی کشور که به گفته محمد درویش درواقع خشکسالی مدیریتی است و به مراتب نگران‌کننده‌تر از خشکسالی‌های طبیعی. ❗️